

عبدالحسین آذرنگ و ادبیات نشر ایران

حمید محسنی

این مقاله در شماره؟؟ ماهنامه "کلیات ماه" از انتشارات خانه کتاب منتشر شده است.

تحلیل استنادی یکی از روش های مهم و شناخته شده جهانی برای بررسی اعتبار آثار و ادبیات یک حوزه است. روش های دیگری نیز برای ارزیابی و سنجش و مقایسه فعالیت های علمی و ادبیات مکتوب وجود دارد. اما جمع آوری داده ها در تحلیل استنادی به گونه ای است که جایگاه آن را متمایز ساخته است.

از همین روش برای سنجش اعتبار افراد و شخصیت های علمی، نهادهای آموزشی و پژوهشی، کشورها، مناطق و شهرها و مقایسه حوزه های مختلف علمی نیز می توان استفاده کرد. همین طور است مطالعه توزیع جغرافیایی تولید و مصرف اطلاعات در کشورها و مناطق مختلف و مقایسه بسیاری از کشورها و نهادها و افراد و حتی برخی از منابع با هم.

از جمله کاربردهای تحلیل استنادی بررسی کمی و کیفی تولید و مصرف اطلاعات در یک حوزه بسیار تخصصی و موضوعات فرعی آن و تعیین جایگاه یک یا چند فرد یا نهاد در آن حوزه و بسیاری از مسائل دیگر است که در سیاستگذاری های علمی نیز بسیار راهگشا است. در ایران، در حوزه کتاب و نشر نیز مانند بیشتر حوزه های علمی دیگر، تحلیل استنادی همه جانبه ای صورت نگرفته است (البته متاسفانه هنوز آثار زیادی در این حوزه منتشر نشده است). اگر چه تورق سریع متون مربوط به نشر، نشان دهنده جایگاه خاص آذرنگ در این حوزه است، اما در این جا قصد بررسی متون مربوط به نشر و نیز جایگاه فردی خاص در کل این حوزه را نداریم. زیرا چنین کاری باید مستند باشد و انجام پژوهشی مستند و کامل آن هم با استفاده از روش تحلیل استنادی از توان فردی خاص خارج است.

آذرنگ در پیش گفتار کتاب "در گیر و دار نشر" اثر مرحوم کریم امامی، بدلیل ویژگی های خاص امامی و تأثیر گذاری اش در حوزه هایی از نشر از واژه "مکتب

امامی " استفاده کرده است. جایگاه آذرنگ در حوزه ادبیات مکتوب نشر از این هم فراتر است. قصد آن را ندارم که برای نشان دادن جایگاه وی در این زمینه واژه سازی کنم. اما در این مختصر سعی می شود فارغ از انتقاداتی که نسبت به تعدادی از دیدگاه های مطرح شده او دارم، برخی از ویژگی های بسیار کلی آثار آذرنگ در حوزه نشر مطرح شود تا در فرصتی دیگر به شکلی مستندتر و مفصل تر نقد و بررسی شود (ناگفته نماند که آذرنگ در حوزه های دیگر چون فلسفه و تمدن نیز آثار ارزشمندی ترجمه یا تألیف کرده است).

بدون شک آذرنگ بیشترین آثار و محتوای موجود در حوزه نشر کشور را تولید کرده است. از کتاب های درسی و پایه در حوزه نشر گرفته تا طرح بسیاری از مسائل دیگر نشر یا مرتبط با آن. اتفاقاً یکی از ویژگی های اصلی نوشته های وی نیز در پیگیری همین خط سیر است: از مباحث پایه شروع شده است و به مباحث فرعی و فرعی تر ختم می شود. به جز برخی از کتاب ها که بنابر سفارش ناشری خاص مانند سمت و اتحادیه ناشران و دیگران و برای اهداف خاص آموزشی تولید شده اند، بقیه آثار وی عمدتاً مقالاتی اند که در مجلات منتشر شده اند (البته برخی از آن ها بعدها به صورت مجموعه مقاله و در چندین جلد کتاب از سوی ناشران مختلف چاپ شدند). همین مقالات پراکنده نیز عضوی از زنجیره ای هستند که همدیگر را تکمیل می کنند. انگار وی در صدد است تا در مجموع به برخی از سؤالات اساسی پاسخ دهد که پاسخگویی به آن ها نیازمند طرح سؤالات ریز و درشت دیگر است. طرح راهبردها و سیاست های کلان نشر و زیرمجموعه های آن از جمله همین سؤالات اساسی و کلیدی است که تقریباً در همه مقاله ها و کتاب های وی حضور دارد و همواره بر اهداف و راهبردها و سیاست ها و ساختار درست تأکید زیادی دارد. بر همین اساس بسیاری از دسته بندی های خود از مسائل و مشکلات و روش ها و فرآیندها و نظام های نشر گرفته تا نهادهای نشر و مرتبط با آن را ارائه می کند.

آموزش نشر و فرآیندهای مختلف آن و نهادهای آموزشی از جمله مباحث کلانی است که آذرنگ ابعاد و ویژگی ها و چگونگی آن را در مقالات مختلف مطرح می کند. گاه نیز از نمونه های موفق آموزشی در حوزه نشر مثال می آورد و حتی جزئیات آن را نیز بیان می کند.

پژوهش در جنبه های مختلف نشر نیز در مقالات آذرنگ حضور جدی دارد. گاه بر وظیفه ناشران در این زمینه تأکید می کند و گاه مسئولیت های پژوهشی نهادهای نظارتی و سیاستگذاری نشر را یادآوری می کند. علاوه بر آن مقاله های وی نیز پر از

سؤالات پژوهشی است. ذهن منتقد وی سبب شده است تا ابعاد مختلف یک مسأله به دقت طرح گردد.

عدم وابستگی وی به نهادهای انتشاراتی و نظارتی و نیز دیدگاه های انتقادی وی سبب شده است تا آرا و نظرات خود را بدون هیچ ملاحظه غیرعلمی و کاسب کارانه مطرح کند.

دقت در جنبه های نظری و عملی نشر و دوراندیشی های وی در زمینه های مختلف نشر سبب شده است تا برخی از مجموعه های خاص را پایه گذاری کند که خود پژوهش ها و مطالعات بعدی را تسهیل خواهند کرد. مجموعه "تاریخ شفاهی نشر" که ابتدا با کمک علی دهباشی و مجله بخارا و سپس نشر مرکز منتشر شده است، از جمله این کارهای باارزش است. این اثر علاوه بر آن که خواندنی و تاریخی است و در مطالعات مربوط به فرهنگ مکتوب کشور و برخی از جنبه های فرهنگی دیگر مفید است، در مطالعات مربوط به حوزه نشر و تاریخ آن نیز بسیار کاربردی است.

بخشی از نوشته های آذرنگ در مجلات و کتاب های مختلف، نقد و بررسی هایی وی از آثار دیگران است. این نقد بررسی ها بسیار دقیق و جزئی است و در مواردی مربوط به کل آثار یک نویسنده و سبک و سیاق وی است. دیدگاه انتقادی وی در این نقدها به گونه ای جذاب مطرح می شود که علاوه بر کمک به شناخت دیدگاه های نویسنده و اثر مورد نقد، آدم را به مطالعه دقیق اثر نیز تشویق می کند. ورود وی و دیگران در حوزه نقد جدی و انتقادی آثار و نویسندگان، الگو و قالب مناسبی را برای توسعه نقد در نشر بوجود خواهد آورد که در توسعه کیفی محتوای آثار بسیار مؤثر خواهد بود. روش و قالب مورد استفاده برای نقد آثار و بهره گیری از دیدگاه انتقادی و تحلیلی و مقایسه ای و تسلط وی بر متون مورد نقد سبب شده است تا نقدها از نظر روش شناسی و الگو نیز مورد توجه قرار گیرند.

ویژگی طرح مسائل و مقاله ها از پایه و کلی به جزئی و فرعی، به گونه ای دیگر در هر یک از مقالات انفرادی وی نیز حضور دارد. کلمات و جملات و پاراگراف ها با دقت انتخاب شده اند و اجزای مختلف یک مسأله با ظرافت مطرح می شود. گاه پاسخ برخی از مسائل براساس دیدگاه های شخصی یا استفاده از آمارهای موجود ارائه می شود. اما بسیاری از سؤالات بی پاسخ باقی می مانند. شاید آرای دیگران در آن زمینه ارائه شود اما خود تلاش نمی کند بدون اتکا به آمار و ارقام به آن ها پاسخ دهد. این ویژگی سبب شده است تا سؤالات بسیاری مطرح شود که باید در آن زمینه تحقیق و پژوهش شود. کنکاش در این جنبه از مقاله های آذرنگ برای دانشجویان و محققان و نهادهای اجرایی و سیاستگزاری نشر بسیار راهگشا است. این سؤالات بی پاسخ و حتی پاسخ هایی که

هرگز به کار نمی روند نشان دهنده راه درازی است که صنعت نشر کشور برای شکوفایی خود باید طی کند.

گاه برای پاسخ به برخی از سؤالات، نمونه های مشابه خارجی آن استادانه انتخاب و ترجمه شده اند. این انتخاب ها نشانگر آن است که سؤالات بی پاسخ در یک مقاله در مقاله ای دیگر بررسی می شود، گاه نیز وی پایان نامه دانشجویی یا تحقیقات و بررسی های دیگران را برای یافتن پاسخ دقیق تر هدایت می کند؛ همین طور رشته پرسش ها و پاسخ ها ادامه دارد. برای مثال آموزش نشر از جمله مباحثی است که همواره بر آن تأکید شده است. وی علاوه بر طرح این مسأله و ارائه دیدگاه های شخصی به نمونه های چند کشور در آموزش نشر هم در چند مقاله دیگر اشاره می کند. همچنین جالب تر آن که خود نیز متون آموزشی نشر را تولید می کند و فراتر از آن در برخی از دوره های تخصصی تر تدریس می کند.

همین طور می توان ویژگی های کلی بسیاری را در آثار آذرنگ نشان داد که در این مختصر فرصت آن نیست. امیدوارم در آینده، آثار وی از لحاظ محتوایی بیشتر مورد نقد و بررسی قرار گیرند.

آثار آذرنگ در حوزه نشر بسیار قابل تامل و خواندنی و آموزنده است. اما به نظر بسیاری از آثار و مطالعات دیگران در حوزه نشر مستقیم و غیرمستقیم از آذرنگ شروع شده است. این نکته حتی از تمام ویژگی های مثبت کارهای آذرنگ نیز مهم تر است. چون آذرنگ به تنهایی نمی تواند تمام مسائل مربوط به نشر را بررسی و مطالعه کند. سبب سازی برای ورود جدی دیگران به این عرصه نیازمند کارهایی جدی و ظریف و دقیق و اساسی و پایه ای و همه جانبه ای بود که آذرنگ تقریباً به تنهایی بخش اصلی آن یعنی تولید محتوی را انجام داد. هنوز زود است که با تحلیل محتوایی یا استنادی جایگاه و تأثیر آذرنگ را مستندتر بررسی کنیم. زیرا بیشتر آثار آذرنگ در این حوزه نتیجه همین چند سال اخیر است و مطالعه تأثیر آن بر متون دیگر و کارهای دیگران نیازمند زمان بیشتری است. آنچه مسلم است این است که تولید ادبیات مربوط به نشر در سال های اخیر رشد بی سابقه ای یافته است. بیشتر آثار جدی این حوزه را آذرنگ خود تولید کرده است و یا تقریباً در فهرست منابع تمام این متون وی نیز حضور دارد. این ها سبب می شود تا فرآیند رشد تولیدات علمی در این حوزه بیشتر شود و همین طور کم کم به عنوان یک حوزه آموزشی و پژوهشی مستقل در ایران مطرح شود. مسیر واقعی رشد و توسعه این حرفه و صنعت فرهنگی نیز همین است. اگر چه بسیار دیر آغاز شده است و بسیاری از حرفه های کم اهمیت تر از نشر در حوزه آموزش و پژوهش و تولیدات علمی از صنعت نشر جلوتر هستند. اما صنعت نشر حداقل در این زمینه قابلیت

هایی دارد که حوزه های دیگر ندارند. شایسته نیست که "کوزه گر از کوزه شکسته آب بخورد". یکی از زیرساخت های رشد علمی در حوزه های دیگر و حتی رشد و توسعه ملی به رشد نشر بستگی دارد. بنابراین نشر برای هماهنگی و همراهی با سایر علوم باید رشد کند. نظام انتشاراتی همان گونه که مدیریت نشر و حتی بسیاری از تولیدات علمی سایر حوزه ها را بر عهده دارد، باید به فکر آموزش ها و پژوهش های مورد نیاز در حوزه خود نیز باشد. با سرمایه گذاری بیشتر در این حوزه است که نظام نشر نیز رشد خواهد یافت. باید قدر حضور علمی افرادی چون آذرنگ و امامی و دیگران را دانست تا اطلاعات بیشتری در این حوزه تولید و منتشر شود. قدرشناسی از این افراد تنها انتشار آثارشان نیست. بلکه باید بازخورد مثبتی نشان داده شود. همان بازخوردی که ناشران و نظام نشر از دیگران انتظار دارند. اگر معتقدیم که کتاب و اطلاعات (مرتبط با نیازهای فردی و اجتماعی) متاعی است که سبب توسعه فردی و اجتماعی می شود، پس در توسعه و رونق نشر و ناشران نیز می تواند مؤثر باشد. یعنی تولید و انتشار اطلاعات بیشتر درباره جنبه های مختلف نشر یا حداقل استفاده از آن ها باید در دستور کار هر ناشری قرار گیرد. برآستی اگر هر ناشری به طور متوسط در تمام دوره فعالیتش پشتیبانی از تحقیق و پژوهش و تألیف و انتشار و توزیع تنها یک اثر جدی در حوزه نشر را بپذیرد چه اتفاقی خواهد افتاد؟! اتفاقی ساده و کم هزینه و بظاهر پرمفعت است اما ساده لوحانه خواهد بود اگر انتظار رخداد آن را داشته باشیم (بدون در نظر گرفتن نکات بسیار ظریف و فراوانی که عبدالحسین آذرنگ در کتاب ها و مقاله هایش مطرح کرده است).

برخی از کتاب های آذرنگ در حوزه نشر عبارتند از:

مبانی نشر کتاب (سمت)

شمه ای کتاب، کتابخانه و نشر کتاب (کتابدار)

شمه ای انتشار کتاب در ایران (کتابدار)

چون و چرایی درباب سیاست های نشر کتاب در ایران (کتابدار)

شمه ای از اطلاعات و ارتباطات (کتابدار)

از این سو و آن سو (کتابدار)

تاریخ شفاهی نشر ایران (نشر مرکز)

گام های اصلی در نشر کتاب (اتحادیه ناشران و کتابفروشان ایران)

نشر و انقلابی در راه (جهان کتاب)

و ده ها کتاب و مقاله دیگر در حوزه نشر

از آذرنگ درباره فلسفه و تمدن و حوزه های دیگر نیز کتاب ها و مقالات زیادی

منتشر شده است.